نمره ۸ هشت

کتابخانه فیروز

۱ ..... خطی .... و .... کتب متفرقه ....

اسم کتاب ....

اسم مصنف ....

شرح ....

هذا بسم الله الرحمن الرحیم کتاب مشق مخبران

در بیان قواعد عمومیه و کلیه اقسام مشق مخبران است (۱) بهمه حال احتیاط
بودن لازم است و مقدار این سمین احتیاط نه اندک و نه بسیار بوده باشد
واقل آن سرباز که در خط مخبران است به ثبت مساوی بوده باشد (۲)
و همین احتیاطها در عقب صف مخبران بودن لازم است و فاصله آنها با دسته
خود شش صد و پنجاه بوده باشد و احتیاط کل مخبران جزء اداست چهارصد قدم
و از قرار که این مسافت مذکور گردید به اقتضای اراضی تغییر و تبدیل می شود (۳)
حرکات مخبران با سرعت جسته جبر اجری می شود و اگر محتاج سرعت
زیاده بوده باشد آن وقت با قدم حمله میرود

مشق مخبران مشتمل بر پنج درس است

درس اول بر پنج قسم است اول در بیان زنجیر به پیش دوم
در زنجیر ساختن به پهلو سیم در زیاد نمودن فاصله چهارم
در کم کردن فاصله پنجم در عوض کردن مخبران
درس دوم بچهار قسم است اول در بیان حرکت به پیش
دوم در حرکت کردن به عقب سیم در تبدیل سمت

چهارم در رواه رفتن پهلو است درس سیم بدو قسم است
اول در تیراندازی در جای خود دویم در تیراندازی در حالت رفتار
درس چهارم بدو قسم است اول در جمع شدن بطور
برج است دوم در ساختن ستون است بجهة رفتار رفتن بهر
سمت که خواسته شد درس پنجم بدو قسم است
اول در زنجیر ساختن یک باطالیون را بحالت مخبران
دوم در برج ساختن است باطالیون را از حالت زنجیری

درس اول در زنجیر ساختن است

(۱) زنجیر مخبر از اره پیش و از پهلو می توان کشود (۲) زنجیر مخبر از اراد
وقتی به پیش می کشانند در عقب خطی که باید محافظت نمایند واقع باشد
(۳) زنجیر را وقتی از پهلو می کشانند در دست در همان خط باشد
(۴) هر دسته را باید بدو دسته و چهار بهره تقسیم نمایند و هر دسته
باید یک وکیل و یک وکیل جیب داشته باشد (۵) رسد اول را
سلطان فرمان میدهد و رسد دوم را نایب اول لکن در صورتیکه

رسدۀ دوم زنجیر می‌شود فرمان دهی رسدۀ دوم با سلطان و رسدۀ اول
با نایب اول است (۶) سربازان را باید خبر کنند که همیشه خودشان را
بشمارند تا عدد و شمارۀ خودشان را بدانند که سرباز چندم از قطار چهار
بچهار هستند یا معنی که از سربازان یا دو ردیفی صف اول و دوم یک گروه
در قطار چهار نفری باشد ساخته می‌شود و از همین قرار تا آخر دسته که
دو نفر از صف اول و دو نفر از صف دوم باشند و لیکن چهار نفر را چهار یا رفیق
و عوام می‌گویند (۷) خط مخبران بقدر امکان باید با نظام
و مستقیم باشند لیکن در صورتیکه سربازان بواسطه پناه در حصن یا دیواری
و یا مبندی و گودی زمین که از تیر دشمن حفظ نموده ملاحظه ترتیب نظام
و استقامت خط نکنند (۸) در وقتی که یکدسته را زنجیر خواهند مخبران
بسازند که رسد از آن دسته باید زنجیر بشوند و رسد دیگر باید در زمان
عقبه در فاصله بایستند

در زنجیر ساختن به پیش

(۹) بجهة زنجیر ساختن به پیش سلطان از این قرار فرمان میدهند
(۱) رسد اول زنجیر بساز (۲) از قطار چپ بفاصله بیست قدم
(۳) به پیش با قدم جسته خبر به پیش (۱۰) نایب دوم چنین فرمان
میدهد رسدۀ دوم بعقب (۱۱) در فرمان مارش سلطان چهار نفر
دست چپ براه و کیل چپ راست به پیش روی خود حرکت میکنند
و گروههای دیگران رسد نیم براست کرده راه میروند همین که هر گروهی بیست قدم
از پهلوی خود سوا شده سمت خود را عوض کرده راست به پیش روی خود
حرکت می‌کنند و گروههای دیگر اینقدر بان سمت حرکت میکنند که فاصله
معین را بدست بیاورند و پس از آنکه سربازان دیگر از گروه بیست
براست بان فاصله رسیدند زنجیر می‌سازند (۱۲) در فرمان
حالت سلطان گروههائیکه فاصلهٔ بیست قدم را گرفته اند ایستاده زنجیر
می‌سازند و گروههائیکه فاصله را ندارند بقدری حرکت می‌نمایند که آن
فاصله را بدست آورند (۱۳) زعلب(?) زنجیر مخبر از از قطار دست
راست با قطار مرکز(?) میکشانند قطار مرکز قطار اول رسدۀ دوم است
در کشودن زنجیر از دست راست گروه اول از آن دست راست
به پیش رو حرکت می‌کنند و سایرین نیم براست کرده اینقدر میروند

که فاصله را بدست آرند در گشودن زنجیر از مرکز گروهی که در مرکز واقع است
راست به پیش می رود و گروههای دست راست نیم براست و گروههای
دست چپ نیم بچپ می نمایند (۱۴) در فرمان مرش سلطان تا به
اول برسد خود فرمان طرف راست گرد میدهد و همیشه آن رسد را
در صد و پنجاه قدمی زنجیر رسد پیش نگاه میدارد (۱۵)
عقبه نیز با آنها به پیش و بپهلو و عقب حرکت می نماید و تبدیل سمت مینماید
و بنحو اهم و بر منجر در این حرکات مختلف بسته بحرکت رسد پیش است
که زنجیر شده است (۱۶) هر گروهی از انفرادر زنجیر می شود که سرباز دومی
صف اول حرکت نمیکنند و سرباز اول صف اول بده قدمی دست
راست او میرود و سربازان صف دومی به پنج قدمی دست چپ سربازان
صف اول قطار خود میروند

[illegible] زنجیری ساختن به پهلو

(۱۷) بجهت زنجیر ساختن بپهلو سلطان چنین فرمان می دهد (۱)
رسد دوم زنجیر بساز (۲) از پهلوی راست بفاصله بیست قدم (۳)
مرش یا قدم جسته خیز مرش (۱۸) باید اول همان فرامین را که در گشودن

به پیش ذکر شد میدهند (۱۹) در فرمان دوم سلطان رسد دوم
بدون چهار بچهار نمودن براست راست می نماید در فرمان مرش
گروب دست چپ حرکت نمیکنند و سایرین براست راست براه
میروند و هر گروب که بفاصله معین رسید معین می ایستند و رو بسمت
دشمن میکنند و همین گروب ها از نظر پس ایستاد از زنجیر میشود (۲۰)
از دست چپ مخبر از انبردن میکنند و عمل آن از همان قرار است لیکن
در اینجا قطار دست راست حرکت نخواهند کرد (۲۱) در وقتی که
از گروب مرکز زنجیر می سازند خود آن گروب حرکت نخواهند کرد
و گروههای دست راست براست راست و گروههای دست چپ
بچپ چپ نمود و رها می ایستند همینکه بفاصله بیست قدم از سمت
گروب مرکز سوا شوند می ایستند و این حرکت بفرمان سلطان معمول
می شود در مشق مخبران سربازان تفنگ خود را بهر قسم که راحت ترباشند
و میل دارند خواه در دست یا یکی از دوشها باشند نگاه دارند (۲۲)

در بیان تعیین فاصله‌ها

هرگاه سلطان بخواهد که استداره صفه خط مجرا را زیرتر بیاید که بسیار خط طویلتر را طلب دارد بیار

چنین فرمان بدهد (۱) از قطار چپ چهل قدم فاصله بگیرند

(۲) سرکشی با قدم بسته خبر سرکشی در این فرمان گروه دست چپ حرکت

نمیکند و گروههای دیگر به راست راست نموده پیش میروند همین که پست قدم

از آنچه فاصله داشته پیشتر حاصل نمودند در پی ایستاده رو به دشمن مینمایند از قطار

دست چپ قطار سرگروه می توان طول خط را زیاد نمود **تمام کردن فاصله‌ها**

(۲۳) هرگاه سلطان بخواهد که فاصله را کمتر نماید که خط حرکت را کوچکتر نماید چنین

فرمان بدهد (۱) از قطار چپ پست قدم جمع شوند (۲)

سرکشی با قدم بسته خبر سرکشی (۲۴) در این فرمان گروه دست چپ

حرکت ننموده سایرین بطرف چپ میشتابند و به پست قدمی نزدیک می شوند

و رو بسمت دشمن مینمایند (۲۵) از همین قرار بر قطار دست راست قطار

سرگروه فاصله را جمع مینمایند **عوض کردن زنجیر مخبران**

(۲۶) دسته که باید زنجیر را عوض نماید در پست یا سی قدمی پشت سر آن خط

زنجیر خود را ساخته بعد از اتمام حرکت خود پیش میرود و قریب به پست یا سی قدم

از خطار زنجیر سابق میگذرد و آن زنجیر نیز همین که دید که حرکت زنجیر جدید

تمام شد و از خط دشمن مطمئن شد بعقب جمع می شود **حرکت به پیش**

(۲۷) بجهة راه رفتن به پیش سلطان چنین فرمان میدهد (۱)

به پیش (۲) سرکشی با قدم بسته خبر سرکشی (۲۸) در این فرمان مخبران

به پیش حرکت می کنند و باید سربازان بسپارند که از سرگروه پس و پیش

حرکت نکنند و فاصله معین را در میان یکدیگر از دست ندهند و این

احتیاط در همه جا لازم است بخصوص در حرکت به پیش (۲۹)

سرگروه زنجیر همیشه باید بر راهنمائی یک وکیل یا صاحب منصب دیگر حرکت نماید

(۳۰) بجهة ایستادن زنجیر را از حرکت بازدارند سلطان فرمان میدهد ایست

(۳۱) در این فرمان مخبران از حرکت باز مانده منتخب پس و پیش شده

نظام می گیرند و اشخاصی که فاصله قدم را از دست داده باشند با

کمال سرعت بدست می آورند **سرکشی رو بعقب**

(۳۲) بجهة سرکشی رو بعقب سلطان چنین فرمان میدهد سرکشی

(۱) عقب نشینید (۲) سرکشی با قدم بسته خبر سرکشی (۳۳)

در این فرمان سربازان باید طرف راست گرد کرده رو بدشمن راه بروند

(۳۳) در حرکت کردن بعقب صاحب‌منصبان بزرگ و کوچک دسته باید
سعی نمایند که سربازان همه در یک خط و یک آهنگ قدم حرکت کنند

در تبدیل سمت (۳۵) یک خط مخبران تبدیل بسمت راست یا بچپ را
ماند بلکه سینه بطرف می آورد و سلطان نیز چنین فرمان میدهد (۱)
تبدیل بسمت راست (۲) سرشش با با قدم حسنه خبر سرشش (۳۴)
در این فرمان دست چپ بسرعت دور می نماید و دست راست حرکت
نمی کند و همچنین در تبدیل بسمت چپ سلطان چنین فرمان می دهد
(۱) تبدیل بسمت چپ (۲) سرشش با با قدم حسنه خبر سرشش
(۳۷) در این فرمان دست راست دور می نماید و دست چپ حرکت نمیکند

راه رفتن بحالت قطار (۳۸) در رفتنی که خط مخبران بپهلوی راست حرکت
میکنند هر سربازی باید دقت در نگاه داشتن فاصله خود کند در اثنای
آن قطار بعهده وکیل راست است (۳۹) از همین قرار خط
مخبران به پهلوی چپ حرکت میکنند و در اثنای آن خط بعهده وکیل دست چپ است

در سرشش با قطار هر سربازی باید دقت نماید که درست در پشت سرباز
پیش از خود بوده باشد

آتش در حالت راه رفتن و ایستادن

(۴۰) آتش مخبران در حالت ایستادن و در راه رفتن معمول میدارند خواه
پیش و خواه بپهلو و یا بعقب باشد (۴۱) قاعده کلی در تیراندازیها
این است که سربازان هر صف دقت نمایند که همه یکمرتبه تفنگ خالی ننمایند
تا اینکه همیشه تفنگها خالی نماند و در وقت حمله دشمن تفنگ پر که مانع پیش
آمدن ایشان و داشته باشند و یکی از هر تفنگ سربازان یک قطار همیشه
پر باشد که در هر گروپ چهار نفری اقلاً دو تفنگ حاضر داشته باشند
که در حمله غافل سوار دشمن قلعه چهار نفری ساخته با آن دو تیر خود در دادن سوار
و دشمن حفظ نمایند این فقره را باید زیاده مهم شمرده صاحب‌منصبان بزرگ
و کوچک دسته اهتمام زیادی در این خصوص نمایند

(۴۲) بجهة تیراندازی در حالت ایستادن سلطان فرمان آتش می دهد
۴۳ در این فرمان سربازان صف اول یکقدم پیش رفته تیر خالی نمایند
لکن باز آن احتیاط را میکنند که تفنگ همه یکبار خالی نماند و باراه رفتن

در جای خود تفنگ پر میکنند که هدف گلوله دشمن نشوند همین که تفنگ
سربازان صف اول پر شد سربازان صف دوم نیز یکقدم پیش رفته
تفنگ خالی میکنند و همان طریق تفنگ پر میکنند و تیراندازی بهمین طریق
مرور دارد تا اینکه فرمان بس را سلطان بدهد (۱۴۴) در این فرمان
دیگر تیر خالی نموده تفنگها را که حالت پر میکنند (۱۴۵) باید سرباز بسیار
که با دقت نشانه نمایند تا اینکه مخبران دشمن با سوارگان دشمن را هدف
گلوله خود کنند و تیراندازان قابل را سفارش نمایند که صاحبمنصبان
بزرگ دشمن را نشانه بیاورند در حالتی که خط مخبران به پیش میرود و سلطان
بخواهد که آتش نماید چنین فرمان می دهد (۱) آتش و یا آتش (۱۴۶) در این فرمان
سربازان صف اول ایستاده تفنگ خود را خالی کرده و پر میکنند سربازان
صف دوم ده قدم از آنها میگذرند و بعد از پر شدن تفنگ سربازان صف
اول ایشان نیز ایستاده تفنگ می اندازند و پر میکنند (۱۴۷) همین که
سربازان صف اول تفنگ خود را پر کردند پیش رفته ده قدم از سربازان
صف دوم تیر خالی میکنند از همین قرار پی در پی هر صفی ده قدم از دیگری گذشته

بعد از پر شدن تفنگ دیگری گذشته بعد از پر شدن تفنگ دیگری تفنگ
خود را خالی میکنند و هر صفی تیر دفعه میکنند که در روی سربازان سر کرده منظم
داشته باشند همین که سلطان فرمان حالت را داد صفی که در عقب است
پیش رفته در خط صفی که پیش واقع است قرار می گیرد و تیرانداز را از قراری که
در آتش در جای خود ذکر شده است بعمل می آورند هرگاه سلطان بجای
فرمان حالت فرمان بس بدهد سربازان همان طریق پیش میروند لیکن
تیراندازی نمی کنند و سربازان صف عقب بخط سربازان صف پیش داخل
می شوند در وقتی با قطار دست راست به پیش راه میروند و سلطان فرمان
آتش بدهد سربازان صف اول یکقدم بدست چپ میروند و رو بدوش
نموده تفنگ خالی نموده می نمایند و داخل صف می شوند و در پشت سر
سربازان صف دوم قرار گرفته تفنگ را پر میکنند همینکه سربازان صف
اول تفنگ خود را پر کردند سربازان صف دوم یکقدم بدست چپ رفته
رو بدشمن می ایستند و تیر خالی کرده داخل صف می شوند و در پشت سر
سرباز صف اول به پیش رفته است تفنگ خود را پر مینمایند و از همین قرار

سربازان صف اول برگشته در پشت سربازان صف دوم تفنگ خود را پر
میکنند بهمین طریق پی در پی این حرکت را میکنند تا اینکه در فرمان پس
هر سربازی بجای خود میرود (۴۸) درصورتیکه با قطار دست چپ به پیش
راه میروند و فرمان آتش داده شود سربازان صف دوم ابتدای تیر
اندازی را میکنند بقسمی که یکقدم به پهلوی راست حرکت میکنند در
حالتیکه سربازان بقدم بسته جنبش حرکت میکنند و در آن حین فرمان
آتش داده می شود خود سربازان باید قدمها را آهنگ زده در پیش
بسته بزنند (۴۹) درصورتیکه سربازان در حرکت به پیش آتش
می نمایند و سلطان فرمان عقب نشستن را بدهد هر صفی که تفنگش
پر است رو گردانیده بدشمن می ایستد و صف دیگر که تفنگش
خالی است با آنکه در کار پر کردن است بفاصله ده قدم عقب
آمده رو بدشمن مینماید و تفنگ خود را خالی مینماید مگر وقتی
که ملاحظه نماید که تفنگ سربازان صفی که عقب نشسته است
پر شده باشد بعد تیر خالی کرده ده قدم از آن صف عقب تر
میروند و در آنجا بحالت صف پیش تفنگ خود را پر میکنند

بهمین طریق پی در پی بحالت یکدیگر عقب نشسته رو بدشمن نموده
تفنگ خود را پر مینمایند (۵۰) وقتیکه سلطان فرمان آتش حالت را
داد صفی که در جلو است بجای عقب آمده در خط عقبی قرار می گیرد
و هر دو صف چنانکه در آتش ثابت گفته شد رو بدشمن
تیراندازی میکنند (۵۱) هر گاه سلطان بجای فرمان آتش حالت
پس بدهد در اینصورت صفی که بدشمن نزدیکتر است بصف
عقبی ملحق شده تیراندازی را موقوف نموده عقب می نشینند
(۵۲) در فرمان آتش حالت سربازان بدون فرمان دیگر برگشته
رو بدشمن می نمایند (۵۳) در حالتی که صف مخبران عقب
می نشینند و تیراندازی می نماید و سلطان فرمان آتش بدهد صف
اول همان وقت می ایستد و رو بدشمن نموده تیر خالی میکنند
و بعد بده قدمی پشت سر سربازان صف دوم رفته تفنگ را
پر میکنند و صف دوم هم از عقب نشستن صف اول همین
را ملاحظه کرده که تفنگ صف اول پر است تیر خالی کرده از تیر
ده قدم از آن صف می گریزد و تفنگ خود را پر میکنند بهمین

طریق پی در پی حرکت میکنند تا فرمان حالت باس را بدهند
۵۴ صحیح سلطان در صورتیکه حمله از سوار روی دهد سلطان بجوقه برج بسازد
فرمان می دهد قلعه چهارنفری بسازد (۵۵) در این فرمان هر گردی یک قلعه
میسازد و سرباز دوم که در صف دوم که در پنج قدمی دست چپ بوده آنهم
در دست چپ رو بسمت چپ نموده می ایستند و طرف دوم قلعه را
میسازد و سرباز اول صف اول هم که در ده قدمی دست راست آمده در پشت
سرباز دوم صف اول ایستاده طرف چهارم را میسازد (۵۶)
در بستن قلعه سربازان باید بچابکی نیزه را لب تفنگ نصب کنند
و بعد از اتمام حرکت نیزه پیش نمایند و پاهای راست چهار نفر باید
بهم متصل شود و شکل مربع واقع شود (۵۷) در فرمان زنجیر بسازد هر سربازی
بجای سابق خود میرود در فاصله معین قرار گرفته نیزه را در قاش جا میدهد
(۵۸) در صورتیکه با قلعه چهارنفری تاب مقاومت به حمله سوار را
نداشته باشند سلطان فرمان با بهره برج بسازید میدهد (۵۹)
و در این فرمان سربازان با قدم دو بگرد مرکز بهره خود جمع می شوند و آن گرد
پیش رفته سربازانش تفنگ را بالا نگاه می دارند که نقطه اجتماع را معلوم نمایند

هر سربازی که میرسد در بهره قرار می گیرد و نیزه را لب تفنگ زده نیزه
پیش میسماید که یک برجی بدون گشودگی درا بسازند (۶۰)
صاحب منصب هر بهره باید در مرکز بهره خود قرار گرفته متوجه ساختن برج شود
با اهتمام و سعی موفور ساخته شود سلطان نیز بجائی داخل یکی از بهره ها می شود
(۶۱) و در فرمان زنجیر بسازاز همان قرار که ذکر شده است از هم
سوا شده زنجیر می شوند (۶۲) هرگاه حمله دشمن شدید تر شود (۶۳)
سلطان فرمان برج ساختن بر سه دسته یا باطالیون میدهد سلطان فرمان
میدهد با رسد برج بسازید (۶۴) در این فرمان بهره دوم بتعجیل با قدم
دو یک بهره اول میرود و آن بهره سیم قدری فاصله صفهای خود را بجهة
داخل شدن بهره اول زیاد تر می نماید و سربازان بدون تعیین عدد و مکان
آمده می ایستند و سلطان و سایر صاحب منصب سربازان را جا بجا میسمانید
و هرگاه مقتضی باشد فرمان تیراندازی می دهند با آنکه نیزه پیش نماید
و بهتر آن است که صف اول نیزه پیش نماید و صف دوم تیراندازی
کند (۶۵) در فرمان زنجیر بسازید از همان قرار قبل ذکر شده است حرکت
می نماید (۶۶) هرگاه سلطان فرمان بعقبه برج بسازید بدهد سربازان

با قدم دو به پشت سر عقبه جمع می شوند و از پس روی عقبه رو در رو می شوند
که در تیراندازی عقبه با ایشان نخورد و عقبه باید چهار پیچ قطار از دست راست
و دست چپ را به سمت بعقب برد که سربازان هر دو پیچ که می رسند در
انتهای خط آنها قرار گیرند که قلعه ساخته شود و یک آتش شدیدی به دشمن
می نمایند بعد از آن سلطان دسته خود را چنانکه (۶۱) ذکر شده
زنجیر می سازند (۶۷) هرگاه از زیادی سوار بار نتوانند تاب سواره دست
بیاورند جنس قربان شده‌ها باطالیان پیچ بساز (۶۸) در این بار که سربازان
با قدم دو رو به پشت راست و دست چپ باطالیون می روند و اهتمام
می نمایند که زود پس روی قوچ را باز نمایند که از تیراندازی او ضرر
رسد (۶۹) هرگاه درباره سلطان حکم رسد که زنجیر بساز از قراریکه
در سابق مشق مخبران ذکر شده است زنجیر می سازند (۷۰)
در هنگام مشق دفعی که این حرکت را بعمل بیاورند صاحب منصبانیکه
در مرکز هر یا بار سه‌ها هستند چند مشق سر نیزه معمول بیدارند

در وقت ساختن جبهه راه رفتن بهر سمتیکه خواهند

(۷۱) سلطان دسته از یک فوج که مخبران شده باشند هرگاه در هنگام

جمع شدن حمله فاصله از سوار دشمن رو داده باید در جای خود قلعه ساخته و دفع سوار را نماید بعد ستون
ساخته شمار راه بشود و هرگاه نتیجه بسمت راست یا چپ هر کدام مقتضی بجهه لازم باشد به ستون
قربان بشوند و هرگاه حمله دیگر روی دهد باید قلعه بسازند بار ستون نمره را به همین طور تا آنکه
[illegible] بشود

جمع شدن

(۷۲) در صورتیکه یک دسته خوف آتش دشمن را داشته باشد و فرمانده هر کدام
جمع [illegible] را به عزم [illegible] حرکت می نمایند

در عقب جمع شود

(۷۳) در این صورت سربازان هر گروه جمع شده با قدم دو در پس به عقبه [illegible] می شوند
(۷۴) سلطان [illegible] فرمان [illegible] بمرکز جمع شوید باینکه بر قطار دست راست
یا قطار دست چپ جمع شوید سربازان گروه [illegible] شده در گرد سر مرکز با دست راست یا دست
چپ جمع می شوند (۷۵) این جمع شدن را هم در وقت ایستادن و هم در وقت
راه رفتن می توان معمول داشت

در ترتیب ساختن باطالیان [illegible] مخبرانی

(۷۶) قواعدی را که در مشق مخبران یک دسته ذکر شده در مشق چند دسته
با یک باطالیون نیز همان قواعد مفید و کافی است
(۷۷) یک باطالیون که دو شستبان بسته باشد و فرمانده [illegible]
بخواهد بر دست راست دسته ششم آن را مخبران نماید و سه دسته

اولی عقبه قرار دهد و جنس فرمان میدهد (۱) رسد اول
بارسد دوم زنجیر بسازد (۲) بروند راست دسته ششم
بفاصله صد قدم (۳) سرکش با با قدم جسته خبر سرکش (۷۰۸)
در فرمان دوم فرمانده دسته ششم بدسته خود خبر می نماید که باید از قطار
دست راست زنجیر بسازد و فرمانده پنجم خبر دهد که باید از قطار دست
چپ زنجیر بسازد و فرمانده دسته چهارم اخبار نماید که باید براست راست گردد
و فرمانده دسته هفتم و هشتم اخبار نمایند که باید بچپ چپ نموده (۷۹)
و در فرمان سرکش فرمانده باطالیون ابتدای حرکت را می نمایند رسدهای
اول دسته پنجم و ششم به پیش زنجیر میسازند بطوریکه ششم از دست راست
و پنجمی از قطار چپ زنجیر میسازند و دستههای که براست راست و بچپ چپ
گرده اند راه می افتند دسته چهارم بفاصله صد قدم پیش رفته پس از آن
از قطار دست چپ زنجیر میسازند (۸۰) و دسته هفتم نیز صد قدم راه رفته
و از قطار دست راست زنجیر میسازند و دسته هشتم نیز صد قدم
از دسته ششم گذشته از قطار دست راست زنجیر میسازند و هر دسته
همینکه زنجیر ساخت پیش رفته بخط ششم و پنجم میرود (۸۱)

سه دسته دست راست که عقبه می شود با بیدق قراولان بیدق و بالابان
چیان ملحق شده سلطانی که قدیم تر باشد آنها را ستون دسته بفاصله سیصد
بسته همکاینکه فرمانده باطالیون معین می نماید میرود (۸۲) و رسدهای دوم
هر دسته که زنجیر شده است از قراریکه مذکور می شود به مانند می ایستند
رسد دوم در دسته ششم بفاصله صد و پنجاه قدم مقابل دست راست رسد
اول که زنجیر شده است میرود و رسدهای دوم دسته چهارم و پنجم
بهم متصل شده در صد بیست قدمی مقابل نقطه الحاق رسد اول خود
می ایستند و رسد دوم دسته هفتم و هشتم بهم ملحق شده در قدم
مقابل نقطه الحاق رسد اول خود که زنجیر شده است می ایستند
عقبه را بجهة این بطور به قرار می دهند که در وقت بستن قلعه از آتش
بعد یکصد و سه نخورند هرگاه این قسم زنجیر ساختن را بعوض آنکه به پیش رو
معمول دارند بخواهند از جوانب یعنی آرند دستههای پنجم و ششم بفاصله
ده قدم پیش میروند و از قراریکه ذکر شده است زنجیر میسازند و دستههای
دیگر نیز براست راست یا بچپ چپ گرده بجری میروند و زنجیر دسته
پنجم و ششم با آنها رسد
برج بستن حلقه الحاقیه باطالیان زنجیر مجزا ساخته باشد

(٨٢) درصورتیکه فرمانده باطالیون بخواهد این حرکت را معمول دارد فرمانده عقبه را
اخبار می نماید که قلعه بندد و سربازان هر دسته با قدم جلد در دسته خود جمع شده
باتفاق فرمانده‌شان بعقبه کلی ملحق می شوند و یک یا دو دسته که سر رسند اطراف
قلعه را ساخته بتدریج بزرگتر می نمایند بدون اینکه پای عدد و مکان دسته‌ها بشوند
(٨٣) در این حرکت صاحب منصبان بزرگ و کوچک باید سواره از درستی و جابجایی
نامیان خود باشند ملاحظات در حالتی که یک دسته مخبران بمقتضای جنگ
باید مخفی باشد بازکه ساچمه توپ دشمن زیاد از آنها تلف می نماید سلطان
فرمان خوابیدن میدهد و در این فرمان سربازان بطور مخبر از سینه خوابند و حالتی را بخود
میدهند که با کمال آسایش می توانند تیراندازی می نمایند در وقتی که سلطان بخواهم
فرمان می دهد برخیزند در حالتی که در مقابل دشمن باشند سربازان را اذن می دارند
که باختیار خود نشسته یا سر پا تیراندازی کنند بواسطه تجربه معین شده است
که تیرانداز یکه تیراندازیش در سر زانو عادت دارد در سر پا نمی تواند نشان گیرند
و بهمین طریق نشانه زنی که در سر پا کرده است اغلب در این حرکات
مخبران را با شیپور برخیزند و ابتدای حرکت را باید وقتی نمایند که شیپورچیان
دیگر فراهن را که شیپورچی سلطان زده است مکرر نموده باشند در آن وقت

صاحب منصبان بزرگ و کوچک دسته آن فرمان را با صدای بلند تکرار می نمایند جمله باتفاق
سلطان یک شیپورچی و چهار نفر سرباز پایه باشند در صف عقب فراهم می شوند در وقتی که برج می سازند
باتفاق صاحب منصبی چهار نفر هست آن صاحب منصبان با چهار سرباز همراه و داخل برج رسیده باید
در نزدیک است با برج همراه بودن چونکه در آنجا لازم شمارد در پایه تقویت سربازان مشغول باید برج چون مخبران با
حرکات انواج سوار از نظر دشمن مخفی دارند و بعضی وقت امداد نمایند لهذا باید اقسام شد بدون سمت‌ها مرافق
آن انواج همراه دارند و در صورتیکه دسته‌های مخبران با مدد بیکانه بلا نمایند باید انقلاب فرم در پهلو
و محاذی بیگانه قرار گرفته بخوابند نه در پشت سر زیرا آنجا ممکن نیست از گلوله توپ دشمن بر بالای
وا برسید و هرگاه سوار دشمن حمله نماید بخواهد آنها را از آنجا حرکت دهد آنها می توانند در داخل قورخانه بشوند
و یک ستینگاو برجه کنند بکار نمایند در وقتی مخبران با قدم جسته بخیر حرکت می کنند
صاحب منصبان باید سعی نمایند سربازان تیری اختیار کنند از رفته خسته نشوند و وقت
بعیدی بتوانند می کنند و با بشان بسیار بند و پای آتش نیند و نفس را از دماغ شان
بکشند قدم را معمولی منسبه ازند سر وقتی باید حمله بسیار سعی نمایند با اینکه جمع شده
برج بسازند در اینحالت هر چه ممکن شود قدم را سریعتر نمایند چون برج را در وقتی بنا نهادن حمله
سوار نزدیک باشد با آنکه تیراندازی دشمن زیاد اذیت نماید لهذا با قدم معمول مرتب آورده و جمع

شدن سوار وقتی معین نمایند هر وقت فارغ از نیزه اندازی دشمن برداشته باشند لهذا با قدم جسته خیز

یا با قدم رفتن پرش بعمل بیاورند

مشق سرنیزه مجربان پیاده

مشق سرنیزه در تعلیمات مجربان زیاد لازم و مفید است بخصوص در وقتی که یک یا دو نفر سرباز با چهار نفر
سواره جدال می‌نمایند این تعلیم باید آن مجرب به سربازان حرکات تفنگ را که بجای خود بعمل
می‌آورند و بازوهای ایشان نرم می‌شود بواسطه تجربه شخص که اندازه یک سرباز مجربان به مشق می‌توانند از
از عهده دفع حملات چهار سواره بر آیند و سربازان مجربان باید بسپارند در وقتی که سوار دشمن ایشان را
تعاقب می‌کنند ایستاده تفنگ خود را بر نمایند و در مقابل سوار پا بسته در این حالت با اطمینان
می‌توانند رد ضرب نیزه و شمشیر سوار را نموده با سرنیزه هم با و صدمه زنند و در مشق سرنیزه کلمات مصاحبان
و سربازان جلدی و چابکی در بازوها و زانوها بهم میرسانند فرامین مذکوره بقرار تفصیل است

از برای سواره حاضر باش از برای پیاده حاضر باش براست راست بچپ چپ هر طرف که
یکقدم به پیش برش یکقدم بعقب برش یکقدم براست برش یکقدم بچپ برش
جفت قدم به پیش برش جفت قدم بعقب برش از طرف راست نگاه کرده برس از طرف چپ نگاه کرده برس
از چپ سر را بگیر خبردار از راست سر را بگیر خبردار از سر سر رد کن از راست سر رد کن از چپ سر رد کن
بچپ فرو کن فرو کن براست فرو کن فرو کن براست سر فرو کن بچپ سر فرو کن نیزه دار فرو کن
فرو کن جفت قدم به پیش از سر رد کن و فرو کن برش یکقدم به پیش نیزه دار فرو کن از طرف

راست نگاه کرده برس فرو کن از قطار راست پنج قدم فاصله بگیر به پیش برش از قطار چپ
یا از قطار مرکز پنج قدم فاصله بگیر به پیش برش

تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب

مترجمه از خط فرانسه بخط پارسی عبد العلی
سرهنگ معلم پیاده نظام
ابن مرحوم میرزا علی سلماسی
حرره فی شهر رجب المرجب
١٢٧٩